

بسم الله الرحمن الرحيم!

آیا حفاظت از جامعه در برابر فساد و رذایل اخلاقی بهتر از رضایت غرب و سازمان‌های آن نیست؟

(ترجمه)

انجمن خیریه‌ای العطا با همکاری اداره امور زنان و با حمایت مؤسسه میکا-واقع انگلیس- در بیت خون که مهم‌ترین شهر نسبت به غزه می‌باشد، برای دختران فلسطینی مسابقات ورزش راه‌اندازی نمودند. در این مسابقات دخترانی شرکت ورزیدند که در سنین ۱۲ الی ۱۵ سال قرار داشتند. هدف از این مسابقات روشن ساختن حقوق دختران جوان فلسطینی؛ مخصوصاً دختران مناطق حاشیه‌نشین در نوار غزه، عنوان می‌شود. این مسابقات علاوه بر پیام‌های فوق، پیام‌هایی دیگری در حکایت از پشتیبانی قضیه فلسطین نیز با خود دارد.

کاملاً روشن است که گسترش چشم‌گیر حرکت‌ها و انجمن‌های مربوط به زنان، با نام‌ها و اسالیب گوناگون در سرزمین‌های اسلامی؛ از جمله: جهان عرب، خود به نوعی از اسالیب جنگ علیه زن مسلمان است. اگر نگاه عمیق‌تری به اهداف و برنامه‌های این جریان‌ها انداخته شود، پوشیده نخواهد ماند که این جریان‌ها تدارکات جنگ فکری می‌باشند و نقشی را که بازی می‌کنند، مشکوک و از خطرات بالایی برخوردار است. این جریان‌ها وابسته به غرب بوده و به وسیله آن‌ها تمویل می‌شوند؛ تا این که از بازگشت اسلام به میدان زندگی جلوگیری کنند.

این انجمن‌ها در ابتدای پیدایش خود بر ارایه خدمات مراقبت از فقراء؛ مانند: تأمین نیازهای اساسی از جمله نیازهای صحتی/بهداشتی، آموزشی و همچنین ارایه کمک‌های لازم در صورت بروز بلاهای طبیعی؛ مانند: سیلاب‌ها، قحطی‌ها و جنگ‌هایی که باعث افزایش تعداد بسیاری از پناه‌جویان می‌شود، تمرکز می‌کنند. اما به مرور زمان این سازمان‌ها، برنامه، نقش و فعالیت‌های خویش را افزایش می‌دهند. دولت‌ها هرگاه بخواهند آجندا/دستور جلسه خراب کارانه‌ای خود را در سرزمین‌های اسلامی تطبیق کنند، با کمک‌های مالی خویش برای این انجمن‌ها ادامه داده، در نتیجه این انجمن‌ها به تطبیق آجندا/دستور جلسه آنان پرداخته و به موضوعاتی؛ چون: محیط زیست، عدالت اجتماعی، حقوق زن، جوانان، کودکان، حقوق بشر، دموکراسی، خشونت، وغیره، اهمیت می‌دهند.

این مراکز معمولاً مسیر خویش را به جای برنامه‌های فکری با برنامه‌های تفریحی آغاز می‌کنند و بعضاً با توزیع مواد غذایی و یا سایر نیازهای خانواده‌های نیازمند و یتیم‌ها؛ اما پس از این که توانستند اطمینان زنان را جلب کنند، آنگاه به تطبیق برنامه‌های فریبنده خویش بپردازند. این مراکز پلید به وسیله برنامه‌ها و دوره‌های ورزشی، برنامه‌های آشپزی، صنایع دستی که برای زنان سودآور است و مواردی که به مهد کودک‌ها، پرورشگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای اطفال بر می‌گردد؛ همان‌گونه به وسیله چادرهای تابستانی و اماکن تفریحی، اذهان زنان مسلمان را مسموم می‌سازند. هدف‌شان تشویق زنان برای حضور در این مراکز بوده و فضاء را طوری آماده می‌سازند که زنان نسبت به خود و فرزندان خود اطمینان خاطر داشته باشند.

فلسطین از جمله سرزمین‌های است که در آن انجمن‌های زیادی تشکیل یافته است. پس از امضای توافق‌نامه ننگین اسلو در سال ۱۹۹۳ م و پس از ورود تشکیلات خودگردان فلسطین، فعالیت منتسب به زنان به گونه‌ای گسترده‌ای افزایش و شهرهای مختلف فلسطین، روستاها و چادرها را با انواع مختلفی از فعالیت‌های صحتی/بهداشتی، فرهنگی و بشردوستانه، با پشتیبانی سخاوتمندانه‌ای اروپایی و بین‌المللی فرا گرفت. تعداد این انجمن‌ها امروز به هزارها می‌رسد. اگر این سازمان‌های زنان و پروژه‌های آن‌ها را مورد بررسی قرار دهیم، خواهیم فهمید که این سازمان‌ها تحت نظارت و مراقبت اهداءکنندگان خود؛ فقط برای تحقق اهداف آن‌ها فعالیت می‌کنند! اگر تمویل کنندگان بخواهند مفهوم دموکراسی را ترویج کنند، برای تحقق این هدف ده‌ها انجمن را تشکیل می‌دهند. اگر بخواهند انجمن‌های مرتبط به زنان یا اطفال را تشکیل دهند به سادگی می‌توانند انجمن‌های بسیاری را به همین مناسبت تشکیل دهند. بناءً اگر بخواهند روی خشونت تمرکز کنند، این کار را به وسیله این انجمن‌ها انجام می‌دهند. این انجمن‌ها در چارچوب برنامه‌های تفریحی یا خدمات امدادسانی یا به راه‌اندازی مسابقات ورزشی و هنری که برای جذب زنان در نظر گرفته می‌شود، تشکیل می‌یابد. طوری که ما در موضوعات مختلفی همین اکنون هزاران مورد از این مراکز و انجمن‌ها را دارا می‌باشیم. انجمن‌های که فقط گوش به فرمان دستورات تمویل کنندگان خویش بوده و اهداف آنان را دنبال می‌کنند؛ مانند: اتحادیه اروپا، بانک جهانی، و پایگاه اقتصادی امریکایی (USAID) و موسسات دیگر.

لازم به ذکر است که اساساً این سازمان‌ها برای پرداختن به مسائل زنان در جامعه فلسطین، فاقد برنامه‌های عملی واقعی هستند. این مؤسسات بر موضوعات رسمی؛ مانند: خشونت، ازدواج زود هنگام، برابری و موارد دیگر متمرکز می‌باشند که در واقع این موارد از جمله مشکلاتی نمی‌باشد که بر زندگی اکثریت زنان تأثیر گذاشته باشد؛ بلکه این سازمان‌ها روی برنامه‌های کار می‌کنند که مرتبط با جنسیت بوده و بر آزادی زنان و حقوق‌شان تمرکز دارد؛ البته مطابق با مفهوم غربی؛ مانند: دسترسی به برابری جنسیتی، از طریق افزایش آگاهی و برنامه‌های آموزشی که باعث افزایش مهارت و تجربه زنان شده به استقلال خواهی و بیرون رفتن از زیر سرپرستی و مراقبت مردان کمک می‌کند، می‌خواهند که مطابق به مفاهیم غربی زنان را به مطالبه حقوق‌شان ترغیب و تشویق کنند.

این وضعیت به کرانه غربی محدود نبوده؛ بلکه در غزه نیز ده‌ها مرکز و انجمن مربوط به زنان وجود دارد که در حمایت غرب و تمویل نهادهای غربی قرار دارند. نهادهایی که به جز اهداف شخصی خود هیچ هم و غمی نداشته و نمی‌خواهند که برای مسلمانان کوچک‌ترین خیری برسد. از جمله، اتحادیه زنان فلسطین، کمیته زن، انجمن مطالعات توسعه و رشد زنان، مرکز امور زنان و انجمن خیریه‌ای العطا است که مسابقات مذکور تحت نظارت آن برگزار می‌شود. گرچه ظاهراً این مسابقات برای سرگرمی و خوشروانی دختران به نظر می‌رسد؛ اما در واقع بخشی از برنامه‌های می‌باشد که برای فاسدسازی دختران سرزمین مبارک فلسطین در نظر گرفته شده است. این مسابقات بزرگ‌ترین پشتیبانه‌ای از ترویج فرهنگ فاسد غربی، بزرگ‌ترین صدمه برای مفاهیم و احکام اسلامی، تلاشی است برای شکستادن موانع حیات و شرم‌روبی دختران، گامی است به سوی برگزاری مسابقات رقص و یا هر آنچه را که دیکه یعنی همان رقص معروف در اکثر کشورهای خاورمیانه می‌خوانند، می‌باشد. هم‌چنان موسیقی و نمایش مد به بهانه‌ای حفظ میراث فلسطینی و حمایت از قضیه فلسطین و ارایه آن به جهانیان با رویش متمدنانه و خالی از خشونت!

بلی، می‌دانیم که ورزش و فعالیت‌های دخترانه و یا زنانه به خودی خود خلاف شریعت اسلامی نبوده؛ بلکه آن‌چه را که شریعت اسلامی نمی‌پذیرد، اختلاط جنسیتی و برهنه‌گی عورت زنان در این مسابقات است. به این معنا که آواز خواندن یا دبکه برای دختران، اجرای مسابقات دوش و یا مسابقات دیگر؛ اگر در مکان‌هایی مخصوص زنان باشد، هرگز منافاتی با شریعت اسلامی ندارد. بنابراین ما چرا باید "آزادی زن" را به مخالفت با شریعت اسلامی پیوند دهیم؟!

زنان می‌توانند بیاموزند، کار کنند، شرکت‌ها و موسسات تجاری را مدیریت کنند، در اداره خدمات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شرکت کنند. اما در محدوده‌ای مشروعیت‌های که توسط پروردگار غیور برای آنان داده است؛ نه مشروعیت‌های داده شده توسط انسان‌ها. اسلام با زنان سخت‌گیرانه و ناعادلانه برخورد نمی‌کند. زنان می‌توانند انواع سرگرمی‌ها و ورزش‌ها را داشته باشند، مشکلی نیست که در میان زنان و به دور از حضور مردان، زنان جمال، لباس و آرایش خویش را به نمایش بگذارند. شریعت اسلامی محدود به هیچ زمان و مکانی نبوده، پیشرفت و تمدن با اسلام منافاتی ندارد. بلکه ما هستیم که وعده‌های مان را در مخالفت با اسلام پشت سر گذاشته و به وضعیت کنونی دچار شدیم.

در این جا این پرسش را مطرح می‌کنیم که آیا وظیفه مسئولین نوار غزه این نیست که از چنین فعالیت‌های جلوگیری نمایند؟! درحالی که با چشمان خود شاهد اقدامات فاسدسازی و خراب‌کارانه‌ای این انجمن‌ها در کرانه غربی می‌باشند؟ آیا محافظت از جامعه در برابر فساد و رذایل اخلاقی بهتر از ارضای غرب، سازمان‌ها و کمک‌های آن نیست؟ این انجمن‌ها، حرکات و سازمان‌های مربوط به زنان؛ هر آن‌چه را که مخفی می‌سازند و برنامه‌های را که اجراء می‌کنند؛ جز خدمت برای تمویل کنندگان خویش کاری دیگری انجام نمی‌دهند. تمویل کنندگانی که همواره در تلاش فاسدسازی امت اسلامی بوده، بنیاد جامعه را متزلزل، پیوند آن را متلاشی، افراد را متفرق، آنان را به گروه‌های ریز و کوچک تقسیم نموده‌اند، تا از وحدت مسلمانان و بیداری آنان و در نتیجه از بازگشت دو باره دولت اسلامی جلوگیری کنند. دولتی که خلافت راشده بر منهج رسول الله صلی الله علیه وسلم را به تصویر کشانده و به زودی الله سبحانه چشمان مان را شاهد آن خواهد گرداند.

نویسنده: مُسلمه الشامی

۲۸ اگست ۲۰۱۹م

مترجم: علی مطمئن